



مجموعه مباحث اخلاقی

هیت خداوند و بندگان مشفق

استاد معظم
حضرت آیت الله یثربی کاشانی «دامت برکاته»



۱۸ اردیبهشت ماه ۱۳۸۷
۱ جمادی الأول ۱۴۲۹



تکثیر این جزوه

با رعایت محتوا، حفظ امانت در نقل و ذکر مأخذ مجاز است

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله رب العالمين وصلى الله على سيدنا محمد وآله الطاهرين ولعنة الله على أعدائهم أجمعين .

«سُبْحَانَكَ مَا أَضْيَقَ الطَّرِيقُ عَلَيَّ مَنْ لَمْ تَكُنْ دَلِيلَهُ وَمَا أَوْضَحَ الْحَقُّ عِنْدَ مَنْ هَدَيْتَهُ سَبِيلَهُ إِلَهِي فَاسْأَلُكَ بِمَا سَأَلُ الْوُضُوءَ إِلَيْكَ وَسَيِّزُنَا فِي أَقْرَبِ الطَّرِيقِ لِلْوُفُودِ عَلَيْكَ قَرِّبْ عَلَيْنَا الْبَعِيدَ وَسَهِّلْ عَلَيْنَا الْعَسِيرَ الشَّدِيدَ وَأَلْحِقْنَا بِعِبَادِكَ الَّذِينَ هُمْ بِالْبِدَارِ إِلَيْكَ يُسَارِعُونَ وَبَابِكَ عَلَيَّ الدَّوَامَ يَطْرُقُونَ وَإِيَّاكَ فِي اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ يَعْبُدُونَ وَهُمْ مِنْ هَيْبَتِكَ مُشْفِقُونَ الَّذِينَ صَفَيْتَ لَهُمُ الْمَشَارِبَ وَبَلَّغْتَهُمُ الرِّغَائِبَ وَأَنْجَحْتَ لَهُمُ الْمَطَالِبَ وَقَضَيْتَ لَهُمْ مِنْ فَضْلِكَ الْمَأْرِبَ وَمَلَأْتَ لَهُمْ صَمَايِرَهُمْ مِنْ حَبِّكَ وَرَوَيْتَهُمْ مِنْ صَافِي شَرِّبِكَ فَبِكِ إِلَهِي لَذِيذِ مُنَاجَاةِكَ وَصَلُّوا وَمِنْكَ أَقْصَى مَقَاصِدِهِمْ حَصَلُوا»^(۱).

بارالها! پاک و منزهی تو، چقدر تنگ است راهها بر آنکه تو راهنمای نباشی، و چقدر آشکار است حق پیش آنکه او را به راهش راهنمایی کرده‌ای، خداوندا! ما را در راههای رسیدن به سویت قرار ده، و رهسپار کن ما را در نزدیکترین راهها برای ورود بر خودت، نزدیک کن بر ما دوری را و آسان کن بر ما دشواری و سختی را و متصل کن ما را به بندگان آنان که در رفتن به

۱- مناجات خمسة عشر، مناجات المریدین .

سویت می‌شتابند، و درب خانه‌ات را مدام می‌کوبند و تو را در شب و روز عبادت می‌کنند و آنان از هیبت تو هراسانند. آنان که آبشخورهایشان را صاف و گوارا کردی و به آرزوهایشان رساندی و خواسته‌هایشان را روا ساختی و حاجت‌های آنان را از فضلت بر آوردی و نهادشان را از دوستیت لبریز کردی و آنان را از پاکیزه‌ترین سرچشمه‌ها سیراب کردی. آنان به وسیله تو، به لذت راز و نیاز رسیدند و دورترین خواسته‌هایشان را به دست آوردند.

بندگان، طالب هدایت؛

در جلسات گذشته تأملی در فرازهای آغازین مناجات مریدین نمودیم و بیان کردیم که این نیایش زبان حال بندگان است که عزم خود را جزم کرده‌اند و برای وصول به سر منزل مقصود، دست یاری به سوی بی‌نیاز کریم دراز کرده‌اند و می‌خواهند با راهنمایی و هدایت الهی به درگاه ذات اقدس ربوبی راه یابند.

همچنین بیان کردیم که شاه بیت درخواست این دسته از بندگان هدایت به سوی حضرت حق سبحانه و تعالی است. اکنون برآنیم که با تأمل در این مناجات شریف برخی از صفات برجسته اهل این درخواست را بشناسیم تا با تقویت این صفات در خویش، ما نیز توفیق راه یافتن به بارگاه حضرت حق جل و علی را به دست آوریم. انشاء الله.

امام زین العابدین علیه السلام در مناجات مریدین برخی از صفات برجسته راهیان کوی دوست را بیان می‌کنند. یکی از نشانه‌های آنان «شفقت» می‌باشد. امام سجّاد علیه السلام در این باره می‌فرماید:

«وَهُمْ مِنْ هَيِّبَتِكَ مُشْفِقُونَ».

آنان از هیبت تو هراسانند.

تأمل در معنا و مفهوم شفقت؛

برای درک بهتر این صفت، لازم است نخست اندکی در رابطه با معنا و مفهوم شفقت تدبّر نماییم. در تعریف واژه شفقت آمده است:

«الإشفاق عناية مختلطة بخوف، لأنّ المشفق يحبّ المشفق عليه

ويخاف ما يلحقه»^(۱).

اشفاق توجه و میل همراه با ترس می‌باشد؛ زیرا مشفق مطلوب خود را دوست می‌دارد و از عاقبت آن می‌هراسد.

برای تقریب به ذهن می‌توان بیان کرد که شفقت لذت آمیخته با درد می‌باشد؛ به عبارت دیگر شفقت یعنی، میل، رغبت و رأفت نسبت به امری که با ترس و خوف همراه باشد. بعضی از اهل معرفت، اشفاق و شفقت را مخصوص اولیای الهی می‌دانند و می‌گویند، شفقت مقامی است که بالاتر از درک و تحمّل عامه مردم می‌باشد، لذا تنها اولیای الهی و بندگان مقرب از آن بهره‌مند هستند.

شفقت در قرآن کریم؛

قرآن کریم نیز شفقت را مخصوص انبیاء عليهم السلام و اولیاء معرفی نموده است. به آیاتی چند در این زمینه اشاره می‌نماییم.

۱- مفردات غریب القرآن، صفحه ۲۶۴.

﴿وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَىٰ وَهَارُونَ الْفُرْقَانَ وَضِيَاءَ وَذِكْرًا لِّلْمُتَّقِينَ * الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُم بِالْغَيْبِ وَهُمْ مِّنَ السَّاعَةِ مُشْفِقُونَ﴾^(۱).

ما به موسی و هارون فرقان (وسیله جدا کردن حق از باطل) و نور و آنچه مایه یادآوری برای پرهیزگاران است، دادیم * همانان که از پروردگارش در نهان می ترسند و از قیامت بیم دارند.

توجه به آیه فوق روشن می سازد که منظور از پرهیزگاران و مشفقین انبیاء علیهم السلام می باشند.

﴿يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يَشْفَعُونَ إِلَّا لِمَنِ ارْتَضَىٰ وَهُمْ مِّنْ حَشِيَّتِهِ مُشْفِقُونَ﴾^(۲).

او اعمال امروز و آینده و اعمال گذشته آنها را می داند و آنها جز برای کسی که خدا راضی است شفاعت نمی کنند و از ترس او بیمناکند.

خداوند سبحان در این آیه نیز، شفقت را مخصوص انبیاء علیهم السلام می داند. آنان در مقام اشفاق هستند؛ یعنی در عین حالی که خداوند را دوست می دارند از او می ترسند. واضح است که وصول به این مقام به لحاظ شرایط خاص دو طرف آن؛ یعنی حبّ و ترس برای همگان امکان پذیر نمی باشد چرا که عموم مردم توان جمع بین حبّ و ترس در شیء واحد را ندارند و احیاناً بسیاری حتی از تحلیل عقلی این مقوله نیز عاجزند. در آیه ای دیگر خداوند سبحان می فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نَاجَيْتُمُ الرَّسُولَ فَقَدِمُوا بَيْنَ يَدَيْ نَجْوَاكُمْ صَدَقَةٌ ذَٰلِكَ

۱- سوره انبیاء، آیات ۴۹-۴۸.

۲- سوره انبیاء، آیه ۲۸.

خَيْرٌ لَّكُمْ وَأَطْهَرُ فَإِنْ لَمْ تَجِدُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ * أَأَشْفَقْتُمْ أَنْ تُقَدِّمُوا بَيْنَ يَدَيْ نَجْوَاكُمْ صَدَقَاتٍ فَإِذْ لَمْ تَفْعَلُوا وَتَابَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَاللَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ ﴿١﴾ .

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هنگامی که می‌خواهید با رسول خدا نجوا کنید، قبل از آن صدقه‌ای بدهید، این برای شما بهتر و پاکیزه‌تر است و اگر توانایی نداشته باشید، خداوند آمرزنده و مهربان است * آیا ترسیدید فقیر شوید که از دادن صدقات قبل از نجوا خود داری کردید؟ اکنون که این کار را نکردید و خداوند توبه شما را پذیرفت، نماز را برپا دارید و زکات را ادا کنید و خدا و پیامبرش را اطاعت نمایید و بدانید خداوند از آنچه انجام می‌دهید با خبر است.

در این آیه واژه اشفاق دربارۀ کسانی به کار رفته است که علی‌رغم اینکه دوست دارند با رسول الله ﷺ گفتگو کند ولی از فقر می‌ترسند، لذا از انجام شرط گفتگو با رسول الله ﷺ که دادن پولی به عنوان صدقه است سر باز می‌زنند. در آیه‌ای دیگر خداوند متعال می‌فرماید:

﴿ إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا ﴾ ﴿٢﴾ .

ما امانت (تعهد، تکلیف و ولایت الهی) را بر آسمانها و زمین و کوهها عرضه داشتیم، آنها از حمل آن سر بر تافتند، و از آن هراسیدند، اما انسان آن را بر دوش کشید، او بسیار ظالم و جاهل بود.

در این آیه نیز خداوند سبحان می‌فرماید: آسمان و زمین دوست داشتند که

۱- سوره مجادله، آیات ۱۳-۱۲.

۲- سوره احزاب، آیه ۷۲.

بار امانت را به دوش بکشند و در عین علاقمندی ترسیدند و از تحمّل کردن آن سرباز زدند.

در آیاتی دیگر نیز اشفاق و شفقت در مورد مجرمین و ستمکاران به کار رفته است. چنین افرادی علی رغم اینکه از نتایج و دستاوردهای اعمال خود هراسانند، اما اعمال و افعال زشت خود را دوست می‌دارند و حاضر نیستند از آن دست بردارند.

﴿ تَرَى الظَّالِمِينَ مُشْفِقِينَ مِمَّا كَسَبُوا وَهُوَ وَاقِعٌ بِهِمْ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فِي رَوْضَاتِ الْجَنَّاتِ لَهُمْ مَا يَشَاءُونَ عِنْدَ رَبِّهِمْ ذَلِكَ هُوَ الْفَضْلُ الْكَبِيرُ ﴾^(۱).

در آن روز ستمگران را می‌بینی که از اعمالی که انجام داده‌اند سخت بیمناکند، ولی آنها را فراموش می‌گیرد. اما کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند در باغهای بهشتند و هر چه بخواهند نزد پروردگارشان برای آنها فراهم است، این است فضل و بخشش بزرگ.

و در آیه‌ای دیگر خداوند متعال می‌فرماید:

﴿ وَوَضِعَ الْكِتَابِ فَتَرَى الْمُجْرِمِينَ مُشْفِقِينَ مِمَّا فِيهِ وَيَقُولُونَ يَا وَيْلَتَنَا مَا لِ هَذَا الْكِتَابِ لَا يَغَادِرُ صَغِيرَةً وَلَا كَبِيرَةً إِلَّا أَحْصَاهَا وَوَجَدُوا مَا عَمِلُوا حَاضِرًا وَلَا يَظْلِمُ رَبُّكَ أَحَدًا ﴾^(۲).

و کتاب (کتابی که نامه اعمال همه انسانهاست) در آنجا گذارده می‌شود، پس گناهکاران را می‌بینی که از آنچه در آن است ترسان و هراسانند، و می‌گویند: ای وای بر ما این چه کتابی است که هیچ عمل کوچک و بزرگی را فرو نگذاشته

۱- سوره شوری، آیه ۲۲.

۲- سوره کهف، آیه ۴۹.

مگر اینکه آن را به شمار آورده است؟! این در حالی است که همه اعمال خود را حاضر می‌بینند و پروردگارت به هیچ کس ستم نمی‌کند. به طور خلاصه شفقت به معنای استمرار ترس، همراه با دوستی و محبت می‌باشد. اولیای الهی و انبیاء علیهم‌السلام این شفقت را نسبت به خداوند سبحان دارند؛ یعنی علی‌رغم اینکه از جلال و جبروت او می‌ترسند، از شدت علاقه به او عشق می‌ورزند. همانند کودکی که در عین حال ترس از پدر او را دوست می‌دارد. این روحیه و مقام، خاص اولیای الهی است و همگان نمی‌توانند به این مقام راه یابند.

اما اشفاق و شفقتی که درباره مجرمین به کار رفته است به این معنا است که آنان از سرانجام اعمال و افعال خود در هراسند و می‌دانند سرانجامی جز عذاب و عقاب الهی در انتظارشان نیست اما با این وجود افعال ناپسند خود را دوست می‌دارند و نمی‌خواهند از آن دست بردارند.

ارتباط اراده و اشفاق؛

در این سلسله از مناجات‌ها این نخستین بار است که از واژه اشفاق استفاده می‌شود و می‌توان به این نکته ظریف دست یافت که ارتباطی خاص بین مریدین و مشفقین وجود دارد. برای روشن شدن این ارتباط باید گفت مریدین عزم خود را جزم کرده‌اند که به سوی خداوند سبحان حرکت کنند. این افراد علاوه بر اراده باید علاقه و حبّ شدیدی داشته باشند که آنان را به سوی مقصود و مطلوب به حرکت در آورد و در عین حال ترس از خداوند سبحان نیز عامل باز دارنده‌ای در برابر خطاهایشان است و باعث می‌شود که

همواره اعمال خود را - هر چند کامل و با اخلاص - در برابر عظمت حضرت حقّ نا چیز ببینند و در نتیجه برای رسیدن به مقصود تلاش مضاعفی مبذول دارند .

معنا و درجهٔ شفقت نزد اهل معرفت؛

اهل معرفت برای اشفاق تعریف و منازل خاصی در نظر دارند . آنان در تعریف اشفاق می‌گویند :

«الإشفاق دوام الحذر مقروناً بالترحم»^(۱) .

اشفاق یعنی ، استمرار حذر و پرهیز همراه با ترحم [دلسوزی] .

تعریف فوق از اشفاق به زیباترین وجه در سورهٔ طور بیان شده است . خداوند متعال در این سوره نخست از نعمات بهشتی که در انتظار

مشفقان است ، سخن می‌گوید :

﴿ إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَنَعِيمٍ * فَكِهِينَ بِمَا آتَاهُمْ رَبُّهُمْ وَوَقَّاهُمْ رَبُّهُمْ عَذَابَ الْجَحِيمِ * كَلُوا وَاشْرَبُوا هَنِيئًا بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ * مُتَكِينِينَ عَلَىٰ سُرُرٍ مَّصْفُوفَةٍ وَزَوَّجْنَاهُمْ بِحُورٍ عِينٍ ﴾^(۲) .

ولی پرهیزگاران در میان باغهای بهشت و نعمتهای فراوان جای دارند * و از آنچه پروردگارشان به آنها داده و آنان را از عذاب دوزخ نگاه داشته است شاد و مسرورند * به آنها گفته می‌شود : بخورید و بیاشامید گوارا ، اینها در برابر اعمالی است که انجام می‌دادید * این در حالی است که بر تختهای صف کشیده در کنار هم تکیه می‌زنند و حور العین را به همسری آنها در می‌آوریم . پس از آنکه طی آیاتی پاداش پرهیزکاران بیان می‌گردد ، آیات بعد به روشن

۱- منازل السائرین ، صفحهٔ ۲۰ .

۲- سورهٔ طور ، آیات ۲۰-۱۷ .

کردن وجه و علت چنین جزایی می‌پردازد. بیان آیات بعد اینگونه است؛ سپس از آنان سؤال می‌شود که شما چه عملی را انجام دادید که مستحق این همه پاداش شدید؟

﴿وَأَقْبَلَ بَعْضُهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ يَتَسَاءَلُونَ﴾^(۱).

در این هنگام رو به یکدیگر کرده از گذشته سؤال می‌نمایند.

آنان در پاسخ می‌گویند:

﴿قَالُوا إِنَّا كُنَّا قَبْلُ فِي أَهْلِنَا مُشْفِقِينَ﴾^(۲).

می‌گویند: ما در میان خانواده خود مشفق (امیدوار و نگران) بودیم.

بر اساس آیات فوق در می‌یابیم که رمز دست‌یابی به نعمات بهشتی اشفاق و شفقت می‌باشد اما برای رسیدن به این ویژگی باید مراحل را طی کنیم. نخست باید از به دام افتادن در دامن گناه هراسناک و خائف باشیم. سپس باید، با مردم و اجتماعی که در آن زندگی می‌کنیم با شفقت رفتار کنیم و مهربان باشیم؛ در یک کلام، رمز سکونت در فردوس برین، مشفقانه زندگی کردن است.

اهل معرفت برای اشفاق سه درجه و برای هر درجه مراتبی ذکر کرده‌اند که مطالعه دقیق در این درجات و مراتب به پویندگان راه کمک می‌کند تا خود را به مقصود برسانند. هر چند که خطرات راه به حدی است که گام نهادن در آن بدون راهنما و استاد ممکن است باعث ضلالت و گمراهی شود.

درجه نخست؛

این درجه دارای دو مرتبه است؛

۱-سوره طور، آیه ۲۵.

۲-سوره طور، آیه ۲۶.

۱ - اشفاق بر نفس است که مبدا به سوی عناد و دشمنی با حق تعالی گرایش شدید یابد. در این مرحله باید نفس سرکش را مهار کرد و بر آن لگام نهاد. نفس همانند مرکب چموشی است که با سرعت و بدون مهابا به سوی جهنم در حرکت است و اگر مهار نشود، به طور حتم و یقین صاحب خود را به جهنم خواهد افکند. بهترین شیوه برای مهار نفس انجام واجبات و مستحبات و حسن معاشرت با دیگران است. انسانی که در دنیا با دیگران با شفقت معاشرت نکند، در آخرت مورد باز خواست اطرافیان خود قرار می‌گیرد.

۲ - اشفاق بر عمل و کردار به این معنی که مراقب باشیم اعمال به سوی تباهی و ضایع شدن، نرود. در این مرحله باید نیت برای خداوند متعال خالص گردد. تا از احباط و تباهی اعمال جلوگیری شود.

درجه دوم؛

این درجه دارای سه مرتبه است؛

۱ - اشفاق بر وقت؛ نباید تفرّق و پراکندگی که در اثر نظر و التفات به غیر حق حاصل می‌شود، وقت انسان را مشوب گرداند. در این مرحله باید مراقب اوقاتمان باشیم و دقت کنیم که این گوهر ارزشمند را به چه نحوی صرف کنیم. وقت را باید صرف کارهایی کرد که موجب تعالی و ترقی دنیوی و اخروی ما گردد، همانند به جا آوردن واجبات، مستحبات، مطالعه و تحقیق. از جمله مواردی که بخل نه تنها مذموم نیست بلکه ممدوح می‌باشد بخل در صرف وقت است؛ باید در صرف وقت بسیار بخیل باشیم، و آن را به ثمن بخش و انجام کارهای بی ارزش و بی فائده از دست ندهیم. امام سجّاد علیه السلام می‌فرماید:

«واکفني ما يشغلني الاهتمام به واستعملني بما تسألني غدا عنه»

واستفرغ أيامي فيما خلقتني له»^(۱).

اموری که باعث اشتغال همت و کوشش من به آنها می شود کفایت فرما، و مرا به کاری که فردای قیامت از آن باز خواست می کنی وادار، و روزگار عمرم را در امری که برای آن آفریده شده ام مصروف دار.

لُبِّ و گوهر این قسمت از دعای امام زین العابدین علیه السلام این است؛ ما باید از خداوند متعال درخواست نماییم که توفیق بهترین وجه استفاده از اوقات گرانبهای عمرمان را عنایت بفرماید. همت و تلاش ما برای زراندوزی و فکر و ذکر ما انباشت سرمایه نباشد. باید به خداوند سبحان توکل کنیم و به وحی الهی باور داشته باشیم؛ چرا که خداوند متعال در قرآن کریم می فرماید:

﴿وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا * وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَمَنْ يَتَّوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ﴾^(۲).

و هر کس تقوای الهی پیشه کند، خداوند راه نجاتی برای او فراهم می کند* و او را از جایی که گمان ندارد روزی می دهد، و هر کس بر خدا توکل کند، کفایت امرش را می کند.

۲- اشفاق بر قلب؛ مبادا چیزی که معارض با صفای قلب است و مانع از ترقی می شود با آن مزاحمت کند. در این مرحله باید مواظب و مراقب بود که غیر از دوست در دل راه نیابد. باید دل را خانه تکانی کنیم و تمام اغیار و بیگانگان را بیرون بریزیم تا جز حبّ خداوند متعال در آن جای نگیرد، امام صادق علیه السلام می فرماید:

«قلوب خلّت عن ذکر الله فأذاقها الله حبّ غيره»^(۳).

۱- صحیفه سجّادیه، دعای مکارم الاخلاق، صفحه ۹۹.

۲- سوره اطلاق، آیات ۲-۳.

۳- بحار الانوار، جلد ۷۰ صفحه ۱۵۸.

دل‌هایی که از یاد خدا تهی باشد، خداوند دوستی و محبت غیر خود را در آن جای می‌دهد.

کسی که در مرحله اشفاق بر قلب است همیشه بیمناک است که مبادا دوستی و محبت غیر خدا در دل جای گیرد. غیر خدا می‌تواند بت‌های چوبی و سنگی دست ساخت بشر باشد یا بت‌های ذهنی چون شهرت، ثروت و ریاست. ۳- اشفاق بر یقین؛ مبادا سببی در یقین مداخله نماید. صاحب یقین کسی است که در رزق و روزی و حواجی خود بر خدا توکل کرده و چشم به اسباب و وسایط ندوخته است. در این مرحله باید به مسبب‌الاسباب، که ذات باری تعالی است یقین داشته باشیم و بدانیم تمام کارها با خواست و اراده او انجام می‌گیرد. انسان دارای یقین روحی متعالی دارد و از هیچ چیز نمی‌ترسد. امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

«ما من شيء أعز من اليقين»^(۱).

چیزی کمیاب‌تر از یقین یافت نمی‌شود.

بر اساس این روایت یقین گوهر کمیابی است. به دست آوردن چنین گوهری مستلزم تلاش فراوان و خستگی‌ناپذیری است که نتیجه شیرین آن متصل شدن به منبعی تمام‌نشدنی خواهد بود.

درجه سوم؛

اشفاقی است که سعی و تلاش بنده را از عجب حفظ می‌کند؛ بدین صورت که بنده تمام سعی و تلاش خود را نشأت یافته از توفیق الهی می‌انگارد و برای خود در آن نقشی نمی‌بیند، و شخص مشفق را از دشمنی و خصومت با

۱- کافی، جلد ۲ صفحه ۵۱.

مردم باز می‌دارد و او را از طغیان و سرکشی و تجاوز به حدود دیگران منع کند. در این مرحله باید تمام اعمال خوب را به خداوند متعال نسبت داد و برای خود هیچ جایگاهی در نظر نگرفت. اگر نماز اول وقت و نماز شبی خواندیم، روزه واجب یا مستحبی گرفتیم موجب عجب و از خود راضی شدن ما نشود و همه را از توفیقات الهی بدانیم که شامل حال ما شده است. امام صادق علیه السلام می‌فرمایند:

«من أعجب بنفسه هلك ومن أعجب برأيه هلك»^(۱).

هر کس از خود و از آراء و نظرات خود راضی باشد هلاک می‌گردد.

گاهی اوقات عجب باعث از بین رفتن ایمان می‌گردد.

در این زمینه امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: دو نفر وارد مسجد می‌شوند؛ یکی مؤمن و دیگری گناهکار، اما پس از خروج از مسجد فرد مؤمن دچار عجب می‌گردد و به اعمال صالح خود می‌بالد و در نتیجه دینش را از دست می‌دهد و شخص گناهکار چون از اعمال خود شرمسار است با ایمان از مسجد خارج می‌شود^(۲).

انشاء الله خداوند زمینه‌ای فراهم نماید تا وارد این مسیر شویم و همواره بین خوف و رجا باشیم؛ یعنی در همان حال که خداوند را دوست می‌داریم از او بترسیم و همه دست‌آوردهایمان را از توفیقات الهی بدانیم.

«والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته»

۱- مستدرک الوسائل، جلد ۱ صفحه ۱۳۸.

۲- کافی، جلد ۲ صفحه ۳۱۴.

شفقت لذت آمیخته با درد می باشد؛
به عبارت دیگر شفقت یعنی، میل، رغبت
و رأفت نسبت به امری که با ترس و
خوف همراه باشد. بعضی از اهل معرفت،
اشفاق و شفقت را مخصوص اولیای الهی
می دانند و می گویند، شفقت مقامی است
که بالاتر از درک و تحمّل عامه مردم
می باشد، لذا تنها اولیای الهی و بندگان
مقرب از آن بهره مند هستند.
(صفحه ۵ از همین جزوه)

www.yasrebi.ir

پست الکترونیک: info@yasrebi.ir

محل برگزاری جلسات :

چهار راه شهدا - خیابان معلم - کوچه معلم ۱۴ - پلاک ۸

تلفن ۷۷۳۲۳۶۷ و ۷۷۴۹۱۶۰ - نمابر ۷۷۴۳۹۱۹